



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴



□ احمد علی علی زاده

روایت‌هایی از آغاز و ادامه مرجعیت حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابل

یکم: تشکیل اولین حلقه فرهنگی پشتیبان و حامی مرجعیت از میان علما و فضلاء افغانستانی حوزه علمیه قم.

متشکل، هدفمند و مصمم وارد عرصه تثبیت مرجعیت این فقیه فرزانه، تبلیغ و ترویج آن گردید. نگارنده نیز افتخار حضور و عضویت در این حلقه را داشتم. کسیکه بیشترین تلاش و دلسوزی را در این مجموعه همسو و هم‌هدف داشت، جناب حجت الاسلام و المسلمین استاد شیخ محمدناصر اخلاقی بود که در راستای تحقق آرمان مرجعیت سعی و تلاش داشت و تا آخرین روزهای حیات با برکت این مرجع فقید، از ارکان و عناصر اصلی مدیریت دفترایشان در قم و شهر بامیان بودند. اراده جدی ایشان باعث تشویق و انگیزه بیشتر سایر دوستان نیز می‌شد تا جایی که به خاطر

در بهار سال ۱۳۷۲ به همت جمعی از علما و فضلاء افغانستانی حوزه علمیه قم، حرکت تازه‌ای ایجاد شد، مبنی بر ایجاد یک تشکل صنفی در راستای حمایت از مرجعیت حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابل^(۱) مرجع فقید شیعیان؛ تا در آینده هم بازوی مشورتی مقام مرجعیت باشد و هم در ساماندهی برنامه‌ها و کارهای دفتر مرجعیت یار و همکار باشد. این حلقه اولین کانون و هسته فکری و فرهنگی بود که به مثابه یک جمع

- میاورم اعضای اصلی این حلقه با ترکیب نسبتاً فراگیر به لحاظ مناطق شیعه نشین افغانستان، عبارت بودند از:
۱. حجت الاسلام و المسلمین، استاد شیخ محمدناصر اخلاقی یکه‌ولنگی؛ (بعدها معاون ریاست دفتر)
 ۲. حجت الاسلام و المسلمین، شیخ محمد حسن عارفی زریافته بهسودی؛ (بعدها ریاست دفتر)
 ۳. حجت الاسلام و المسلمین، مرحوم استاد شیخ حسین شفایی قول خویشی؛
 ۴. حجت الاسلام و المسلمین، مرحوم استاد شیخ طاهر محمدی دایمیردادی؛
 ۵. حجت الاسلام و المسلمین، شیخ حسین علی افتخاری جاغوری؛
 ۶. حجت الاسلام و المسلمین، شیخ ابراهیم خلیلی ورسی؛
 ۷. حجت الاسلام و المسلمین، شیخ محمد حسن کریمی بهسودی؛
 ۸. حجت الاسلام و المسلمین، شیخ حسن فاضلی یکه‌ولنگی؛
 ۹. حجت الاسلام و المسلمین، شیخ محمد علی حلیمی یکه‌ولنگی؛
 ۱۰. حجت الاسلام و المسلمین، حاج شیخ جواد محقق فرزند آیت الله محقق کابلی؛
 ۱۱. اینجانب احمد علی علی‌زاده غزنوی جاغوری. بعدها که دفتر مرجعیت در قم تأسیس شد، شماری از اعضای همین حلقه از اعضای اصلی دفتر شدند، جناب آقای عارفی مسئول دفتر و جناب آقای اخلاقی معاون رئیس دفتر شدند و در این میان مرحوم استاد شفایی، مرحوم شیخ محمدی دایمیردادی و اینجانب مسئولیت عضویت در دفتر را پذیرفتیم. برای بنده دوستان پیشنهاد مسئولیت فرهنگی دفتر مرجعیت را داشتند که از قبول آن عذر خواستم و البته جناب آقای کریمی برای مدتی یکی از اعضای دفتر مرجعیت در قم و مسئول بخش تبلیغات بود؛ اما بعداً استعفاداد.
- این مجموعه اگرچه به لحاظ کمی اندک، اما به

لحاظ کیفی جمع هدفمند و جدی بودند و با انگیزه قوی و بسیار مصمم وارد میدان شده بودند. در تاریخ مرجعیت شیعه در افغانستان با اطمینان می‌توان گفت که پس از عقبه حمایتی محور سیاسی شیعیان و رهبری شهید استاد مزاری دومین محور حمایت از تحقق ایده و آرمان مرجعیت در افغانستان، علمای حوزه‌های علمیه، نهادها، انجمن‌ها و محافل علمی و صنفی برخاسته از این حوزه‌ها بودند و پیشاپیش این حرکت حوزوی و علمی، همین حلقه بود که بستر را فراهم کرده و با افتتاح راه‌نومسیر را برای شکستن تابوی چندقرنه هموار کرد و با گشودن این افق تازه، علی‌رغم موانع و مشکلات که در مسیر این راه دشوار قرار داشت، به تدریج یاران و همکاران بیشتری به این حرکت پیوستند.

نگارنده دقیقاً به خاطر می‌آورد که در روزهای آغازین این حرکت که این جمع نیز با احتیاط این پروژه را دنبال می‌کردند، بودند کسانی که یا این حرکت را به سخریه می‌گرفتند و این کار را یک بدعت می‌پنداشتند که در قد و قواره مردم و علمای ما نیست و یا به شدت ابراز تردید و ناباوری می‌کردند؛ اما دیری نپایید که این تلاش مشترک به ایجاد باور و زدودن یأس و بی‌اعتمادی در میان علما منجر شد. در نتیجه این ایده تبدیل به یک آرمان همگانی شده و جمع بسیاری از علما و طلاب و از جمله همان عزیزانی که در ابتدا یا مخالف این روند و یا شدیداً دچار تردید و ناباوری بودند، به این حرکت پیوستند و این پدیده مبارک برای اولین بار در این مرحله‌ای از تاریخ درخشان جامعه شیعه افغانستان، به وقوع پیوست و به ثمر نشست.

دوم: تأسیس «جامعه روحانیت افغانستان»

در پی نشست‌های مکرر این حلقه، سرانجام و برآیند این نشست‌ها منجر شد به تأسیس و ایجاد نهاد حوزوی و علمایی با نام و عنوان: «جامعه روحانیت افغانستان» با هدف پیگیری جدی و نظام‌مند تحقق مرجعیت شیعی بر خاسته از متن عالمان دینی و فضایی افغانستانی حوزه علمیه که تنها گزینه مطلوب و مورد نظر در آن زمان (بعد از حضرت آیت الله العظمی فیاض

دینی و مذهبی مرجعیت و ضرورت تحقق آن در افغانستان و با تحلیل از اوضاع سیاسی، اجتماعی و مذهبی و شرایط بحرانی حاکم بر افغانستان که چنین ضرورتی را ایجاب می‌کند و دوبار از سوی «جامعه روحانیت افغانستان» منتشر شد. بار اول با تیراژ محدود و بار دوم با تیراژ انبوه. این متن اولین سند مکتوب تاریخی، در پیشینه و آغاز عملی مرجعیت شیعه در افغانستان است.

این نوشته مورد توجه خاص گوینده و خطیب فرزانه و بی‌بدیل در زمانه خود حضرت آیت الله مرحوم محقق خراسانی^(۶) قرار گرفته بود. ایشان در یکی از سخنرانی‌های تاریخی و جذاب که به مناسبت آغاز مرجعیت آیت الله العظمی محقق کابلی در مشهد مقدس ایراد فرموده است به این جزوه اشاره کرده و چنین می‌فرماید: «به راستی و به حق جمعی از طلاب حوزه علمیه قم کتابی نوشته‌اند به نام «مرجعیت و ضرورت ظهور آن در جامعه تشیع افغانستان». در این کتاب از دو بعد بحث کرده است: ... بحث اول موقعیت مرجعیت و دیگری ضرورت مرجعیت. البته توفیق این سعادت و مرجعیت با این ویژگی‌ها در حضرت آیت الله هست. عقیده من این است که این کتاب به زبان و فرهنگ روز است. واقعاً می‌شود با این زبان و منطق بیان، خیلی از جمعیت‌ها و مخالفان را قانع کرد که اصلاً نمی‌شد این حقایق را به آن‌ها رساند؛ اما این بهترین وسیله رساندن و هم با زبان و روش و منطق جهان معاصر است. این کتاب باید تجدید و تکثیر شده و در اختیار همه مردم و شیعیان افغانستان در داخل و خارج و شرق و غرب قرار بگیرد تا این واقعیت و موقعیت و ضرورت را با استدلال به آن‌ها برساند.» (برهانی شهرستانی، علی زاده، ۱۳۹۸، ص ۲۶۳).

ج. چاپ و انتشار رساله توضیح المسائل، مطابق با فتوای حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی.

د. چاپ و انتشار کتاب ارزشمند «مرجعیت رمز بقای تشیع» این کتاب مهم‌ترین اثر و سند تاریخی در پیشینه مرجعیت شیعه در افغانستان و در جهت تحقق عینی و عملی آن است. مقدمه این کتاب به قلم روان و

که به دلایلی از سوی ایشان پذیرفته نشده بود) فقیه فقید و فرزانه حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی رحمت الله علیه بود.

در روزها و ماه‌های نخستین تأسیس جامعه روحانیت افغانستان، مکان و دفتر مشخصی برای برگزاری جلسات و نشستها جهت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کارها نداشتیم و تاجایی که به یاد می‌آورم در منزل خود دوستان اعضای حلقه اصلی و اولیه، این نشستها برگزار می‌شد و بیشتر در منزل شخص آیت الله العظمی محقق کابلی^(۷) واقع در منطقه نیروگاه قم برگزار می‌شد که فرزند ایشان جناب حاج شیخ جواد محقق نیز در این حلقه حضور فعال داشت. از میان این جمع مرحوم استاد شفایی بیشتر و بنده کمتر دست به قلم بودیم؛ چون هر دو ما در آن زمان، از نویسندگان هفته‌نامه وحدت و فصلنامه سراج در مجموعه مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان بودیم. به پیشنهاد دوستان باید یکی از ما دو نفر نگارش اساسنامه و تهیه متنی را درباره مبانی دینی و ضرورت تحقق مرجعیت در افغانستان، برکات و نقش راهبردی مرجعیت برای شیعیان این کشور که حافظ مصالح و منافع و ضامن بقا و موجودیت شان باشد، به عهده می‌گرفتیم. مرحوم استاد شفایی با بزرگواری ای که داشت، این مهم را قبول نفرمود و با اصرار زیاد به عهده اینجانب نهادند و بحمدالله این دو کار توسط این قلم انجام شد.

سوم: تصمیمات و اقدامات مقدماتی در راستای تحقق مرجعیت

«جامعه روحانیت افغانستان»، اقدامات مهمی را در راستای تحقق مرجعیت روی دست گرفته و به انجام رساند؛ بخشی از این اقدامات عبارت بودند از:

الف. نگارش و تصویب اساسنامه: این اساسنامه در یک مقدمه، پنج فصل و سی و شش ماده تدوین و تصویب گردید که در پی خواهد آمد.

ب. تهیه جزوه «ضرورت مرجعیت در جامعه تشیع افغانستان»: این نوشته کوتاه منطق دفاع از این ایده را تبیین می‌کند و متنی است مستدل با تبیین مبانی

تحلیلی استاد سرور دانش نگارش یافت؛ ترجمه و شرح حال مبسوط حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی را حقیر بعد از مصاحبه مفصل با شخص آیت الله العظمی کابلی نگاشتم. در این کتاب شماری از عالمان دینی شاخص افغانستان، از مجتهدین، اساتید و فضلا درباره فضل و ابعاد علمی و معنوی آیت الله العظمی محقق کابلی به ابراز نظر پرداخته و ایشان را شایسته احراز مقام مرجعیت دانسته و از مرجعیت ایشان اعلام حمایت کرده و آن را مفید و به مصلحت شیعیان افغانستان و بلکه یک ضرورت دانسته‌اند. انجام مصاحبه‌ها، جمع‌آوری دیدگاه‌ها و پیگیری آن‌ها، بیشتر مرهون تلاش‌های بی وقفه حجت الاسلام والمسلمین استاد شیخ محمدناصر اخلاقی بکه ولنگی بود.

برای معرفی بهتر این کتاب و نیز «جامعه روحانیت افغانستان»، توجه خوانندگان محترم را به آن چه که در ابتدای این کتاب، تحت عنوان سخن ناشر آمده است، جلب می‌کنم: «خواننده گرامی! جامعه روحانیت افغانستان در راستای نجات جامعه محروم تشیع و حرمان زدایی به مفهوم عامش، در بدو تأسیس، با دوهدف اصلی و اصول معین [همان‌گونه که در اساسنامه آن نیز به این دوهدف تصریح شده است] پایه‌گذاری شد:

۱. ظهور مرجعیت و تثبیت آن در ادامه خط ولایت و امامت؛ چون ما معتقدیم و به این مسئله ایمان داریم که فقاهت و مرجعیت بذاته، قطع نظر از گرایش‌های ملی و نژادی، برای تحقق آرمان‌های بلند تشیع سرخ علوی و حاکمیت فرهنگ اسلام ناب محمد (ص) در عینیت جامعه نقش حیاتی دارد.

۲. حمایت از تشکل سیاسی و نظامی جامعه^{۱۳۹۹} تشیع؛ در قالب حزب وحدت اسلامی؛ زیرا حق خواهی، تحقق عدالت اجتماعی و مهم‌تر از همه، به رسمیت شناختن مذهب امام جعفر صادق (ع) به یک زبان سیاسی فعال و بازوی نیرومند نظامی مبتکر و خلاق، نیاز مبرم دارد.

جامعه روحانیت با توجه به این اهداف، در رابطه با مرجعیت، اولین اثرش را به نام جزوه «ضرورت ظهور مرجعیت» برای آگاهی اқشار مختلف، به ویژه طیف

تحصیل کرده و دردمند بیرون دادند.

کتاب حاضر که هم اکنون پیش رو دارید، دومین اثر فرهنگی جامعه روحانیت، در جهت تثبیت مرجعیت تدوین گردیده که از نظر تاریخی، برای آیندگان سرمایه بسیار کلان و باارزشی خواهد بود.

در پایان سخن از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از تعاون و همکاری آیات، فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم و مشهد و سایر شخصیت‌های علمی و جهادی که مخلصانه برای تحکیم مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، نظریات و دیدگاه‌های شان را در اختیار ما قرار دادند و همچنین از فضلا و فرهنگیان عزیزی که ما را در تدوین کتاب یاری و راهنمایی کردند و بالاخص از حجت الاسلام والمسلمین احمد علی علی‌زاده و برادر و ویرایش‌گر کتاب، جناب آقای احمدی و رسی تقدیر و سپاس‌گزاری به عمل آوریم و برای همه عزیزان مزید توفیق در راستای حرمان زدایی فرهنگی از خدای متعال مسئلت می‌نماییم.

۵. تأسیس و افتتاح دفتر مرجعیت در قم و سپس در سایر شهرستان‌های ایران.

و. رونق دادن به درس خارج فقه آیت الله العظمی محقق کابلی^(۵)، با مشارکت گسترده اعضای جامعه روحانیت و تشویق سایر فضلا و طلاب به شرکت در این درس.

ز. تبلیغات گسترده در جهت ترویج و تثبیت مرجعیت آیت الله العظمی محقق کابلی^(۵)؛ مسافرت‌های گروهی و انفرادی جهت تبلیغ از مرجعیت در میان مهاجرین در شهرستان‌های مختلف ایران از سوی اعضای جامعه روحانیت آغاز شد. در این برنامه آیت الله محقق خراسانی^(۶) که خود فقیه برجسته، گوینده نامور و پژوهشگر ژرف‌نگرد در حوزه‌های گوناگون از علوم معقول و منقول بود، نقش بی‌بدیل داشت. ایشان سفرهای متعددی در شهرهای مختلف ایران و نیز سفر چند ماهه در پاکستان داشتند و در تمامی این سفرها با ایراد سخنرانی‌ها و خطابه‌های گیرا، منطقی و با بیان روز، از ضرورت مرجعیت و برکات و ثمرات بی‌ظنیر آن در جامعه افغانستان سخن گفت و مردم را بیدار و آگاه فرمود که

فوق العاده در تحقق و تثبیت مرجعیت آیت الله العظمی محقق کابلی تأثیرگذار بود.

چهارم: متن اساسنامه «جامعه روحانیت افغانستان»

مقدمه

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۱۰۴)

بدون تردید علما، فقها و اندیشمندان اسلامی در عصر غیبت کبری، بحیث طلابیه داران جامعه اسلامی درفش سبز و پرافتخار اسلام را در تمامی عرصه های حیات اجتماعی مسلمین بردوش کشیده اند و با الهام از فرهنگ غنی اسلام و شناخت دقیق از شرایط، اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی زمان خود و مقاومت و صف ناپذیر، کلیه حلقه های مبارزات توحیدی و اسلامی را در گوشه گوشه جهان اسلام در برابر نظام های استبدادی و استعماری رهبری کرده اند و از حوزه اسلامی و ارزش های برین توحیدی، با تمام توان دفاع کرده اند.

مبارزات سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی صدها فقیه و اندیشمند اسلامی در گذشته های دور و مبارزات گسترده دانشمندان و پیشگامان نهضت های اسلامی در سده اخیر در راه بیداری، اصلاح امت و احیای تفکر خالص اسلامی که در پیشاپیش این بیدارگران و مصلحین، چهره هایی چون: شهید سید جمال الدین افغانی، آیت الله بروجردی، آیت الله نائینی، شهید سید محمد باقر صدر، شهید علامه بلخی و امام خمینی میدرخشند؛ بزرگترین سند ادعای ما است و این مبارزات گسترده و همه جانبه تا ظهور منجی عالم بشریت ادامه خواهد یافت.

جامعه روحانیت افغانستان به مفهوم عام آن، [نه مفهوم نهادی مصطلح در این اساسنامه] نیز به پیروی از سیره ائمه اطهار علیهم السلام و رهبران و پیشوایان دینی در چهارده سال جهاد و مقاومت اسلامی در افغانستان نقش برجسته و قیادت این پیکار مقدس را بر عهده

داشته است که تاریخ آن را فراموش نخواهد کرد، چنان که در گذشته نیز در کلیه نهضت ها و قیام های اسلامی و مذهبی در تاریخ کشور، روحانیت پیشرو و سگاندان این نهضت ها بوده است؛ اما این مبارزه و تلاش در راه اعتلاء کلمه توحید و احقاق حقوق از دست رفته ملت و به خصوص مردم مظلوم تشیع، پایان نیافته و بل همچنان ادامه خواهد یافت.

در ادامه این مبارزه عنصر نظم، تشکل و انسجام نیروها امر بسیار ضروری و لازم است، نظمی که قوام جهان هستی بر آن استوار است و با بی نظمی شیرازه نظام خلقت به هم میریزد و شعار «نظم در بی نظمی» یک شعار ضد اسلامی و بر خلاف مقتضای قانون حاکم بر هستی است.

شرایط سیاسی و اجتماعی کشور امروزه به گونه ای حساس است که بیش از گذشته حضور متشکل و منسجم روحانیت، علما، طلاب و دانشمندان کشور را در صحنه می طلبد تا با مسائل جاری و حوادث کشور، قوی تر و سنجیده تر برخورد کرده و در جهت خیر و صلاح ملت مسلمان افغانستان، گام های اساسی ترو مفیدتری را بردارند.

بر مبنای این مسئولیت و ضرورت، طلاب، علما و روحانیون افغانستانی مقیم حوزه علمیه قم به منظور: حمایت از حقوق ملت مسلمان افغانستان و به ویژه شیعیان مظلوم افغانستان و حمایت از مواضع برحق حزب وحدت اسلامی و تبیین ضرورت مرجعیت در افغانستان و خصوصاً مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی که ضامن بقای جامعه تشیع است و رسیدگی به مشکلات مهاجرین و طلاب و... تصمیم گرفته اند که در قالب یک تشکیلات منظم و قوی به نام: «جامعه روحانیت افغانستان»، در جامعه خویش تبارز کرده و به کار خود به صورت منظم آغاز کنند. اینک پس از این مقدمه، اساسنامه «جامعه روحانیت افغانستان» تدوین و ارائه می گردد:

فصل اول. کلیات

ماده ۱. نام رسمی این تشکیلات «جامعه روحانیت

افغانستان» است و هر نوع عملکرد و اعلام هر نوع موضوعی که از طرف روحانیت و طلاب افغانستان صورت بگیرد و تحت این نام و عنوان نباشد، از سوی این تشکیلات نخواهد بود.

ماده ۲. «جامعه روحانیت افغانستان» عبارت است از: «مجموعه طلاب، علما و روحانیون افغانستانی که به صورت نمایندگان انتخابی اصلی و علی البدل و سایر اعضای انتخاب شده از سوی این نمایندگان، تمثیل یافته است.» و کادر اجرایی آن مرکب از یک رئیس، دو معاون در صورت لزوم، یک منشی و اعضای سه کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و مالی خواهد بود.

ماده ۳. آرم «جامعه روحانیت افغانستان» که سمبل و بیانگر اهداف و آرمان‌های این تشکیلات است شامل: محراب، منبر، کتاب، قلم و ستاره است که به شکل... به تصویر کشیده شده است.

ماده ۴. هدف اصلی و محور کار جامعه روحانیت افغانستان در دو موضوع بسیار مهم خلاصه می‌شود:

الف. تبیین ضرورت مرجعیت در افغانستان، به طور اعم و تبیین ضرورت مرجعیت حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی و تلاش در راه تثبیت آن در افغانستان، به طور اخص.

ب. دفاع از حقوق ملیت‌ها و اقوام محروم در افغانستان به طور اعم و دفاع از حقوق مردم محروم و مظلوم تشیع و هزاره به طور اخص، در راستای اهداف و مواضع برحق حزب وحدت اسلامی افغانستان و حمایت جدی از این حزب که ممثل اراده مردم مظلوم تشیع در افغانستان است.

تبصره: سایر کارها و برنامه‌ها از قبیل: رسیدگی به مشکلات طلاب و مهاجرین و... از اهداف فرعی این تشکیلات خواهد بود.

ماده ۵. فعالیت‌ها و اجرای برنامه‌های «جامعه روحانیت افغانستان»، تحت نظر و هدایت مستقیم یا غیرمستقیم حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی دام خواهد بود، و حضرت ایشان می‌تواند هرگونه اصلاحات و تغییرات لازم را در تشکیلات و اساسنامه آن به وجود بیاورد.

ماده ۶. ادامه و انحلال «جامعه روحانیت افغانستان» نیز بستگی به نظر حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی دارد و ایشان حق دارد، در صورت لزوم رسماً آن را منحل اعلام کند.

تبصره: انحلال «جامعه روحانیت افغانستان» یا مستقیماً توسط شخص حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی در صورت لزوم صورت می‌گیرد، و یا به تقاضای انحلال از سوی مجمع مؤسسين و پاسخ مثبت ایشان.

ماده ۷. «جامعه روحانیت افغانستان» یک جریان سیاسی در عرض جریان‌های سیاسی جامعه افغانستان نیست؛ اما از آن جایی که نمی‌تواند در برابر تحولات و رخداد‌های جامعه خود بی تفاوت باشد، مواضع خویش را در صورت لزوم، در راستای اهداف و آرمان‌های به حق حزب وحدت اسلامی افغانستان که همان آرمان‌های ملت تشیع افغانستان است، اعلام میدارد.

فصل دوم: تشکیلات «جامعه روحانیت

افغانستان»

الف. نمایندگان

ماده ۸. نمایندگان طلاب و علمای افغانستانی که واجد شرایط نمایندگی باشند به طور رسمی به «جامعه روحانیت افغانستان» معرفی و از سوی این جامعه به عضویت رسمی پذیرفته می‌شوند.

تبصره: از طرف علما و طلاب هرالسوالی یک تا سه نفر نماینده اصلی و سه علی البدل به تناسب جمعیت السوالی‌ها انتخاب گردیده و به «جامعه روحانیت افغانستان» معرفی می‌گردد.

ماده ۹. شرایط نمایندگان عبارتند از:

۱. تعهد، تقوی و اتصاف به فضایل اخلاقی؛
۲. معتقد به مبارزه ضد استبدادی و ضد استعماری و برپایی حکومت اسلامی در افغانستان؛
۳. حداقل داشتن تحصیلات حوزوی در پایه سطوح عالی؛
۴. حداقل بیست سال سن؛
۵. حداقل نداشتن مواضع خصمانه در برابر حزب وحدت اسلامی افغانستان؛

۶. تحرک کافی و داشتن توان کار؛

۷. معتقد و طرفدار مرجعیت حضرت آیت الله

العظمی محقق کابلی؛

۸. تعهد و پای بندی به تشکیلات و اساسنامه

«جامعه روحانیت افغانستان»؛

تبصره ۱. مدت دوره نمایندگی حداکثر تا دو سال

خواهد بود.

تبصره ۲. تمدید نمایندگی یک شخص از سوی

طلاب مناطق، تا دو مرحله بلامانع است.

ب. هیأت رئیسه

ماده ۱۰. هیأت رئیسه مرکب است از یک رئیس، دو

معاون در صورت لزوم و یک منشی.

ماده ۱۱. ریاست اجلاس از میان نمایندگان اصلی

و با اکثریت آراء دو سوم از مجموع اعضاء انتخاب

می شود که بار اول به مدت شش ماه و در مراحل بعدی

حداکثر تا دو سال خواهد بود.

تبصره ۱. رئیس باید از قدرت و مدیریت کافی برای

اداره جلسات برخوردار باشد.

تبصره ۲. در صورت ابقا و تمدید نمایندگی رئیس از

سوی علمای منطقه وی، ریاست او تا دو دوره دیگر با

اکثریت آراء دو سوم از مجموع اعضاء قابل تمدید

خواهد بود.

تبصره ۳. معاونین نیز باید دارای شرایط رئیس

باشند؛ با این تفاوت که در معاون اعضاء نماینده و

غیرنماینده یکسان است.

ماده ۱۲. منشی اجلاس از میان اعضاء جلسه، با

اکثریت آراء حداکثر به مدت دو سال، برگزیده می شود.

تبصره ۱. مسئولیت منشی با اکثریت آراء تا دو بار،

قابل تمدید است.

تبصره ۲. منشی باید توانایی کافی برای ثبت

صورت جلسات را داشته باشد.

ج. کمیسیون های سه گانه

ماده ۱۳. «جامعه روحانیت افغانستان» دارای سه

کمیسیون است که عبارتند از:

۱. کمیسیون فرهنگی؛

۲. کمیسیون مالی؛

۳. کمیسیون اجتماعی، که هرکدام وظایف

خاصی را بر عهده دارند.

ماده ۱۴. هریک از کمیسیون های سه گانه

مرکب اند از یک رئیس، دو معاون و سایر اعضاء عادی.

ماده ۱۵. ریاست هریک از کمیسیون های سه گانه

از میان اعضاء جلسه عمومی و با اکثریت آراء

انتخاب می شود.

تبصره ۱. مدت ریاست هریک از کمیسیون های

سه گانه، حداکثر تا دو سال خواهد بود.

تبصره ۲. معاون کمیسیون ها توسط رئیس آن

کمیسیون، انتخاب می شود؛

تبصره ۳. تمدید ریاست کمیسیون ها تا دو دوره از

سوی اعضاء جلسه عمومی، بلامانع خواهد بود.

فصل سوم: وظایف و مسئولیتهای هیأت رئیسه و کمیسیون ها

ماده ۱۶. وظایف و اختیارات هیأت رئیسه

عبارتند از:

الف. اداره جلسات عمومی «جامعه روحانیت

افغانستان» توسط رئیس و در صورت عدم حضور رئیس

توسط معاون؛

ب. تعیین وقت جلسات و اعلام آن برای اعضاء

«جامعه روحانیت افغانستان»؛

ج. تنظیم صورت جلسه و مصوبات آن

توسط منشی؛

د. امضای نامه ها و معرفی نامه هایی که از سوی

«جامعه روحانیت افغانستان»، به اشخاص و مراکز

مختلف فرستاده می شود، توسط رئیس یا معاون او؛

تبصره: در نامه هایی که از سوی کمیسیون های

سه گانه به اشخاص و مراکز مختلف فرستاده می شود،

امضای رئیس آن کمیسیون کافی است.

ه. نظارت بر عملکرد کمیسیون های سه گانه؛

و- نگهداری مهر و سایر اسناد و مدارک مربوط به

جلسه عمومی.

ماده ۱۷. وظایف و اختیارات کمیسیون فرهنگی

عبارتند از:

الف. تهیه و تنظیم بیانیه‌ها و اعلامیه‌های «جامعه روحانیت افغانستان» در رابطه با مسائل جاری کشور، مناسبت‌های تاریخی، مذهبی، مسائل جهان اسلام و نهضت‌های اسلامی و سایر مسائل و تحولات بین‌المللی؛
 ب. تهیه و تنظیم نشریات «جامعه روحانیت افغانستان»؛

ج. بررسی و اصلاح کتاب‌ها و جزوات که از سوی «جامعه روحانیت افغانستان» به چاپ می‌رسد؛
 د. معرفی مبلغین به مراکز اعزام مبلغ و یا اعزام مستقیم مبلغین، در میان مردم؛

ه. برگزاری و اداره مراسم و محافل مذهبی و اجتماعی از قبیل: شهادت، ولادت معصومین علیهم‌السلام، شهداء و شخصیت‌های اسلامی و ملی؛ و برگزاری سیمینارها و کنفرانس‌های علمی و تحقیقاتی؛

ز. ایجاد ارتباط با مراکز فرهنگی کشورها و نهضت‌های اسلامی و سایر مراکز فرهنگی بین‌المللی؛
 ح. راه اندازی سایر کارهای فرهنگی و آموزشی، باتوجه به امکانات و احساس ضرورت.

ماده ۱۸. وظایف و اختیارات کمیسیون اجتماعی عبارتند از:

الف. رسیدگی به امور و مشکلات طلاب و مهاجرین؛
 ب. ارتباط با نهادها، مقامات و شخصیت‌های سیاسی کشور و مراجع مذهبی و دینی؛

ج. ارتباط با نهادها، ارگان‌ها، مقامات و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی کشورهای اسلامی و نهضت‌های پیشه اسلامی؛
 د. ارتباط با حوزه‌های علمیه و به خصوص حوزه علمیه قم، جهت جذب و پذیرش طلاب و بیان نقطه نظرات و نیازمندی‌های آن‌ها؛

ه. سرپرستی و اداره امور خدماتی و عام‌المنفعه مربوط به جامعه روحانیت از قبیل: مدارس، منازل، کمک‌رسانی و غیره.
 تبصره ۱. دفاتر و نمایندگی‌های «جامعه روحانیت افغانستان»، در نقاط مختلف از نظر تعیینات و

مدیریت مشمول بند «ه.» از ماده ۱۸ نخواهد بود و مقررات و سلسله مراتب اداری به خصوص خود را دارد.
 تبصره ۲. اختیارات مربوط به بندهای «ب»، «ج» و «د» مشروط به کسب نظر قبلی اکثریت اعضای جلسه عمومی، خواهد بود.

ماده ۱۹. وظایف و اختیارات کمیسیون مالی عبارتند از:

الف. حفظ و نگهداری اموال و دارایی «جامعه روحانیت افغانستان»؛

ب. تحصیل و تأمین نیازهای مالی «جامعه روحانیت افغانستان» از منابع تعیین شده؛

ج. خرج و مصرف زیر نظر هیأت رئیسه؛

د. داشتن دفتر منظم وارده و صادره در امور مالی؛

ه. جذب و تحویل گرفتن کمک‌های مالی که ممکن است از اشخاص و مراکز مختلف به «جامعه روحانیت افغانستان» بشود.

تبصره ۱. منابع کمیسیون مالی عبارتند از:

۱. کمک‌های داوطلبانه مردم به «جامعه روحانیت افغانستان»؛

۲. کمک‌هایی که توسط نمایندگان از مربوطین آن‌ها جمع‌آوری و در اختیار کمیسیون مالی قرار می‌گیرند؛

۳. بیوت مراجع عظام تقلید و به خصوص بیت مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی؛

۴. سایر منابع کمکی و خیریه.

تبصره ۲. کلیه اعضای «جامعه روحانیت افغانستان» و در همه کمیسیون‌ها به هیچ عنوان، حق استفاده شخصی از اموال و دارایی‌های مربوط به «جامعه روحانیت افغانستان» را ندارند.

فصل چهارم: مقررات مربوط به اجلاس

عمومی نمایندگان

ماده ۲۰. جلسات عادی «جامعه روحانیت افغانستان» هرماه یکبار ولی جلسات اضطراری آن بر حسب ضرورت برگزار می‌شود.

ماده ۲۱. حضور نمایندگان اصلی در جلسات «جامعه روحانیت افغانستان»، الزامی است و در صورت داشتن

نیست، مگر در مواردی که مشخصاً کسب نظر قبلی آن‌ها شرط گردیده است.

ماده ۲۶. رعایت آداب و شؤون روحانیت و پرهیز از هرگونه مباحث خارج از دستور اجلاس، در موقع رسمیت جلسه برای اعضای محترم ضروری است و در صورت تخلف به صورت متوالی با تعلیق و یا لغو عضویت خود مواجه خواهد شد.

تبصره: میزان تخلف از ماده ۲۶ که موجب تعلیق یا لغویت عضو می‌شود، بسته به نظر اکثریت خواهد بود.

ماده ۲۷. کلیه مصوبات جلسه عمومی «جامعه روحانیت افغانستان» با اکثریت آراء دو سوم حاضرین خواهد بود، به جز مواردی که برخلاف آن در این اساسنامه، تصریح شده است.

ماده ۲۸. مرجع رسیدگی به تخلفات کلیه اعضای این تشکیلات، در هررده‌ای که باشند به عهده داور و یا داورانی است که از سوی اعضای جلسه عمومی، تعیین می‌شوند.

فصل پنجم: متفرقه

ماده ۲۹. تغییر در اساسنامه در صورت لزوم، با رأی اکثریت سه چهارم اعضای جلسه عمومی صورت خواهد گرفت.

ماده ۳۰. استعفای نمایندگان بعد از پذیرفتن نمایندگی با اکثریت آراء مورد قبول است.

ماده ۳۱. نمایندگان حق دارند افراد و عناصر لایق را خارج از محدوده نمایندگان، به عضویت عادی و یا منشی اجلاس عمومی و یا معاونت رئیس و یا ریاست کمیسیون‌های سه‌گانه با اکثریت آراء بپذیرند.

تبصره ۱. عضویت افراد غیرنماینده باید به امضای اکثریت اعضای جلسه برسد.

تبصره ۲. اعضای غیرنماینده حق شرکت در جلسه عمومی را دارند و آراء آن‌ها نیز در مصوبات معتبر است.

ماده ۳۲. هر یک از کمیسیون‌های سه‌گانه می‌توانند منطبق با اساسنامه، آئین‌نامه‌های داخلی

عذر موجه حضور عضو علی‌البدل الزامی می‌شود؛ ولی اگر هردو معذور از شرکت در جلسه شوند، باید مراتب را به هیأت رئیسه اطلاع داده و به اعضای جلسه اختیار تام در رابطه با مصوبات اجلاس را بدهند.

ماده ۲۲. عدم شرکت یا تأخیر نمایندگان از حضور در جلسات «جامعه روحانیت افغانستان»، در حکم بی‌اعتنایی به جلسه تلقی شده و در صورت توالی موجب تعلیق یا لغویت نمایندگی آن‌ها، خواهد شد.

تبصره: تعیین تعداد غیبت نمایندگان و یا تأخیر حضور آن‌ها در جلسه که موجب تعلیق یا لغویت نمایندگی آن‌ها می‌شود، مربوط به نظر اکثریت اعضای جلسه، خواهد بود.

ماده ۲۳. ارائه برگه نمایندگی و مشخصات کامل و آدرس محل سکونت و دو قطعه ۳ + ۴ توسط نمایندگان جهت ثبت در دفتر کل و تشکیل پرونده عضویت، الزامی است.

تبصره: اعضای انتخابی از سوی نمایندگان نیز باید برگه‌ای که در آن نمایندگی وی توسط اکثریت اعضای جلسه به امضا رسیده و آدرس محل سکونت و مشخصات کامل و دو قطعه عکس ۳ + ۴ را، جهت ثبت در دفتر کل و تشکیل پرونده عضویت، ارائه دهند.

ماده ۲۴. دفتر کل که اسامی و مشخصات اعضای جلسه و مصوبات آن و عملکردهای اعضا (که مربوط به «جامعه روحانیت افغانستان» است) و کمیته‌های اجرایی و دخل و خرج‌های مربوطه در آن به ثبت می‌رسد، نزد رئیس کل نگهداری می‌شود و رئیس موظف است که آن را جهت ثبت مصوبات اجلاس با خود بیاورد و در صورت تقاضا یا عملکرد سالانه «جامعه روحانیت افغانستان»، به اعضا ارائه دهند.

ماده ۲۵. مرجع دستورات عمل‌های فردی و جمعی «جامعه روحانیت افغانستان»، مصوبات جلسه عمومی است؛ به جز اعضای کمیسیون‌های سه‌گانه که زیر نظر مسئولان خود انجام وظیفه می‌کنند.

تبصره: عملکرد رؤسای کمیسیون‌های سه‌گانه در قلمرو اختیارات و وظایف‌شان که در این اساسنامه آمده است، منوط به اجازه اعضای جلسه عمومی

جدگانه برای خود داشته باشند.

ماده ۳۳. مرکزیت «جامعه روحانیت افغانستان»، فعلاً در قم است و در صورت لزوم و صلاح دید حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، به جای دیگر انتقال خواهد یافت.

تبصره: در صورت لزوم «جامعه روحانیت افغانستان»، دفاتر و نمایندگی های خود را با اکثریت آراء در داخل و یا خارج، افتتاح خواهد کرد.

ماده ۳۴. مقررات مربوط به تخلفات نمایندگان، شامل اعضای غیر نمایندگان نیز می شود و آنان نیز با تکرار تخلفات، مواجه با تعلیق و یا لغو عضویت خود خواهند شد.

ماده ۳۵. رئیس جلسه عمومی، معاونان او، ریاست هریک از کمیسیون های سه گانه و معاون آن ها، در پایان هر دوره از ریاست و معاونت خود، باید در حضور اعضای جلسه عمومی راجع به وظایف خود و امور مالی مربوط به ساحه کار خود حساب داده و مسئولیت خویش را به مسئول بعدی واگذار نمایند و یا در صورت تمدید مسئولیت وی از سوی اعضای جلسه عمومی، بعد از محاسبه دوره اول، در دوره دوم ایفای وظیفه کنند.

ماده ۳۶. «جامعه روحانیت افغانستان» در صورت لزوم و با رأی اکثریت کنگره سالانه دایر خواهد کرد.

این اساسنامه با یک مقدمه و ۳۶ ماده و ۵ فصل در تاریخ ۱۳۷۲ / ۷ / ۳ به تصویب اکثریت اعضای «جامعه روحانیت افغانستان» رسید.

والسلام علینا و علی جمیع عباد الله الصالحین. و
 لله الحمد و هو الموفق والمعین.

بنیاد اندیشه
 تاسیس ۱۳۹۴

پنجم: پیام مهم و تاریخی مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، به شهروندان مسلمان افغانی الاصل کشورهای غربی، استرالیا و ... مقدمه

روزی به دیدار دوست فرزانه ام عالم فرهیخته، گوینده توانا، محقق و پژوهشگر علوم دینی جناب حجت الاسلام و المسلمین استاد سید جواد هاشمی نژاد

بلخابی رفتم. این دیدار به مناسبت بازگشت ایشان از سفر تبلیغی طولانی به کشور کانادا بود. از آن جایی که بنده نیز سفرهای متعدد تبلیغی در میان مردم شیعه و هزاره به کشور استرالیا و برخی از کشورهای اروپایی داشتم، باب گفت و گویی گشوده شد و به تبادل نظر، بیان تجربیات مان در دو کشور بزرگ کانادا و استرالیا و چالش های پیش روی مردم مان پرداختیم و به طور کلی در رابطه با غرب و فرهنگ حاکم بر غرب و نیز وضعیت مسلمین در مغرب زمین که در دهه های اخیر ساکن دیار غرب شده اند و به شهروندان جدید این کشورها تبدیل شده اند، گفت و گو شد.

در نتیجه این گفت و گواز یکسویه یک برداشت و فهم مشترک از دنیای مدرن رسیدیم و از سوی دیگر به دغدغه های مشترک نسبت به وضعیت موجود ساکنین مسلمان در غرب و به خصوص شیعیان و به ویژه شیعیان افغانستان رسیدیم و این که مردم ما در غرب به لحاظ فرهنگی، دینی و مذهبی با چه چالش ها و آسیب هایی مواجه هستند. در پی آن، راه حل و پیش گیری از این آسیب ها را نیز مورد تبادل نظر قرار دادیم و بالاخره یکی از بهترین راه حل ها را ارتباط دو سویه، مداوم و فعال مردم با مراکز و سرچشمه های اصلی دین و معرفت، یعنی حوزه های کهن اسلامی به خصوص قم و نجف اشرف دانستیم و این که شایسته است این ارتباط، از سوی دستگاه مرجعیت شیعه به صورت هدفمند، مدیریت شود.

در همین رابطه به این فکر رسیدیم متنی را که در بردارنده مهم ترین قواعد عام در حوزه های اخلاقی، دینی، مذهبی، حقوقی و قانونی در دنیای مدرن غرب باشد، تهیه نماییم تا مردم ما با رعایت این قواعد عام رفتاری از یکسوسهروندان قانونمند، مؤدب و متخلق به اخلاق دینی و انسانی باشند و از سوی دیگر از آسیب های زندگی در دنیای مدرن در امان باشند و بالاخره با ارائه جلوه ای از سبک دینی زندگانی که با قواعد عام رفتاری در دنیای غرب در تعارض نباشد، نمایندگان و سفیران خوبی برای معرفی و تصویر انسانی و قابل دفاع از اسلام و فرهنگ دینی باشند.

که مژده و بشارت ظهور ایشان، در متون مقدس پیشین آمده است.

بحمدالله این دین با منطق قوی خود امروزه در تمامی نقاط جهان گسترش یافته و پیروان زیادی دارد و در این میان ملت مسلمان و مؤمن افغانستان، با پیشینه درخشان تمدن و فرهنگ، از متعهدترین و وفادارترین ملت‌های جهان، به اعتقادات، باورها و ارزش‌های دین مقدس اسلام است که این تعهد و پابندی خود را در هر شرایط و در طول تاریخ نشان داده است.

اما در اثر تحولات و رویدادهای ناگواری که در چند دهه اخیر در این کشور رخ داده و فشارهای گوناگونی که بر این مردم وارد شده است، انبوهی از جمعیت این سرزمین اسلامی، راهی دیار هجرت به کشورهای اسلامی همسایه و غیره شده‌اند و جمعی زیادی نیز راهی دیار غرب، اروپا، استرالیا و دیگر کشورهای غیراسلامی شده و آن‌جا مقیم شده‌اند و با اختیار کردن تابعیت جدید، اکنون از شهروندان این کشورها محسوب می‌شوند.

اینجانب مدت‌ها است که شدیداً نسبت به آینده این مردم و نسل‌های بعدی‌شان در این کشورها، به لحاظ دینی، اعتقادی، اجتماعی و ایمانی، دغدغه خاطر و نگرانی دارم و این امر باعث شد تا نکاتی را به عنوان پیام یادآوری کنم. طبیعی است که مخاطب این پیام می‌تواند عموم مسلمانان و شیعیان ساکن در این کشورها باشند؛ امیدوارم مورد توجه جدی همه برادران و خواهران عزیز قرار گیرد:

۱. قبل از همه بر این نکته اساسی و بسیار مهم، تأکید می‌ورزم که در حفظ اعتقادات دینی و مذهبی عاری از هر نوع انحراف و خرافه، جدی و کوشا باشید.
۲. احکام و موازین شرعی و حلال و حرام الهی را جدّاً رعایت کرده، از یکسوز اباحه‌گرایی و لاًابالیگری و از سوی دیگر از تحجرگرایی، افراط، تکفیر و تفسیق دیگران پرهیز کنید. همه شما مؤمنین را دعوت می‌کنم تا با سلوک و رفتار سالم دینی خود با همه برادران مسلمان و پیروان ادیان و فرقه‌های دیگر، زندگی مسالمت‌آمیز و همراه با مهر و مدارا داشته باشید.

برای این‌که این متن و آموزه برای غرب‌نشینان مردم ما دلپذیرتر و الزام‌آور شود، به این نتیجه رسیدیم که از کانال مرجعیت که نهاد دینی و دستگاه مورد اعتماد است به اطلاع مؤمنین ساکن دیار غرب برسانیم و لذا قرار شد به حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی ارائه دهیم تا پس از تأیید ایشان، این متن در قالب پیام از سوی ایشان به مؤمنین و شیعیان ساکن غرب، در فضای مجازی و از آدرس سایت ایشان منتشر شود.

پس از چند جلسه مشورت و تبادل نظر، حقیر متن نهائی را نوشتیم و قرار شد آن را به محضر این مرجع فقید برسانم. با هماهنگی جناب استاد محمدناصر اخلاقی معاونت محترم دفتر، این متن پیشنهادی به ایشان تقدیم شد و بعد از چند روز پس از ملاحظه حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی و اندکی اصلاحات و اضافات، پاسخ مثبت دریافت کردیم که این متن تحت عنوان پیام مرجعیت به مؤمنین غرب‌نشین منتشر شود و با هماهنگی مسئول سایت این مرجع تقلید، در سایت ایشان بارگذاری شد. اینک متن این پیام برای اولین بار پس از نشر در فضای مجازی، در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد:

بسم الله الرحمن الرحيم
 « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ
 جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ
 أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ »؛ (قرآن کریم سوره
 حجرات آیه ۱۳)

(ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است خداوند دانا و آگاه است!)

دین مقدس اسلام، کامل‌ترین و آخرین دین الهی در سلسله ادیان ابراهیمی و ناسخ سایر ادیان و مکمل آن‌ها در مسیر کمال و هدایت انسانها به سوی حق تعالی است و با جامعیت و کمال خود، پاسخگوی تمامی مسائلی است که در هدایت آدمی نقش دارد و حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، خاتم انبیاء و آخرین پیامبر الهی در سلسله انبیای الهی است

۳. رعایت اخلاق اسلامی و انسانی و پرهیز از دور زدن قوانین و مقررات نظام اجتماعی در امور مالی، اشتغال و غیره و سوء استفاده نکردن از امکانات عمومی باتوجهات نادرست، از دیگر وظایف دینی و انسانی شما شهروندان جدید مسلمان این کشورهاست و سعی کنید با رفتار و سلوک نیک خود، الگویی از یک مسلمان تربیت یافته در دامن مکتب نجات بخش اسلام باشید، «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ»؛ (با عمل تان مردم را به اسلام دعوت نمایید). (کلینی، محمد بن یعقوب، ۷، ص ۸۷).

۴. تأکید ویژه دارم که وحدت و اخوت اسلامی و ایمانی را رعایت کرده و از هر نوع اختلاف و تفرقه در قالب‌های: قوم‌گرایی، قبیله‌گرایی، منطقه‌گرایی، حزب‌گرایی و... شدیداً پرهیز کرده و بر اساس معیارهای ارزشی دینی بر مبنای «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است) (حجرات / ۱۳) و «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (همانان مؤمنان برادران یکدیگرند) (حجرات / ۱۰) و بر محور مکتب اهل بیت علیهم السلام تمامی روابط و معاشرت‌های تان را سامان دهید؛ چرا که در اسلام ارزش‌هایی چون: قوم، قبیله، نژاد، منطقه، حزب و... لغو شده و این عناصر صرفاً شناسه‌هایی است که مردم از طریق آن‌ها، همدیگر را به رسمیت شناخته و قبول کنند.

۵. همچنین تأکید می‌نمایم که پیوند عمیق و استوار تان را با اهل بیت اطهار علیهم السلام، آموزه‌ها و مکتب حیات بخش آن‌ها حفظ کرده و نیل همیشه فرزندان تان را آشنا و محب به اهل بیت علیهم السلام^{۱۳۹۱} به بار بیاورید که خیر و سعادت دنیا و آخرت شما، در پیروی از این مکتب است.

۶. باتوجه به تأثیر محیط در شکل‌گیری شخصیت انسان، مخصوصاً جوان و نوجوان، نسبت به تربیت و آموزش دینی و مذهبی فرزندان و اطفال تان، اهتمام داشته باشید و سعی کنید تا این عزیزان که سرمایه‌های شما و سفیران آینده اسلام در این کشورهاست، در مسیر تربیت ناسالم و انحرافی قرار نگیرند و خدای نخواستہ

اگر غفلت و تساهل کنید در فردای قیامت پاسخگو خواهید بود، طبق فرموده قرآن کریم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است نگه دارید) (تحریم / ۶) و برای اطمینان بیشتر سعی شود، این آموزش و تربیت، زیر نظر علما و روحانیون انجام پذیرد.

۷. سعی کنید تا عده‌ای از فرزندان مستعدتان را که انگیزه و آمادگی برای تحصیلات علوم دینی و حوزوی دارند، برای تحصیل علوم دینی به حوزه‌های علمیه مانند قم و نجف اشرف، اعزام کنید.

۸. خانواده در اسلام نهاد مقدسی است که تأکید فراوان بر حفظ آن شده است، توصیه می‌کنم در محیطی که با کمال تأسف این نهاد ارزشمند مورد مخاطره جدی و چه بسا در آستانه‌ای از هم پاشیدن قرار دارد، سعی فراوان در حفظ سلامت کیان خانواده داشته باشید تا در آینده تاریخ، نسل خوب، سالم و شناخته شده‌ای داشته باشید.

۹. ارتباط مستمر، سازنده و نظاممند خود را با مراکز دینی و حوزه‌های علمیه و دفاتر اینجانب در قم و کابل برقرار کنید تا زمینه دعوت از مبلغین برجسته و صاحب نظر در مسائل اسلامی، مانند مرحوم آیت الله شیخ محمد عیسی محقق خراسانی و... از سوی شما عزیزان، فراهم شود.

۱۰. از مسئولین و متولیان مراکز دینی و مذهبی می‌خواهم که با علما و روحانیون (به خصوص علمای فاضل و مبلغین برجسته اعزامی از مراکز اصلی و حوزه‌های علمیه) در تدبیر و مدیریت مراکز دینی، مساجد و حسینیه‌ها، مشورتهای لازم را داشته باشند و با کسب راهنمایی و هدایت از آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های تبلیغی و آموزش‌های دینی و مذهبی، حداکثر استفاده را ببرند.

۱۱. به عموم مسلمانان و شیعیان ساکن در این کشورها، توصیه می‌کنم که اولاً به روحانیون و طلاب علوم دینی ساکن در میان مهاجرین که مانند بقیه مردم، شهروندان این کشورها شده‌اند، احترام لازم را داشته

(حُرّعاملی، محمد حسن، ۱۴۰۹ ه. ق. ج ۲۷، ص ۲۷)
 حداکثر سعی و تلاش را داشته باشند.

۱۴. زبان فارسی و عربی ابزاری خوبی برای پیوند به گذشته، فرهنگ، هویت‌های دینی، مذهبی و تمدنی شما است؛ لذا توصیه می‌کنم که از زبان بومی و دینی‌تان فاصله نگرفته و آن را نیز در کنار سایر مضامین آموزشی، یکی از مضامین درسی برای فرزندان‌تان در مراکز دینی و مدارس خصوصی قرار داده و این دوزبان را به عنوان حلقه اتصال گذشته به آینده، به نسل بعدی خود منتقل کنید.

۱۵. به همه مردم و به خصوص کسانی که در شرایط مالی بهتری قرار دارند توصیه می‌کنم که به ساخت و توسعه مراکز دینی، مذهبی و آموزشی و از جمله حوزه علمیه، در چارچوب مقررات مدنی این کشورها، مبادرت ورزیده و صرفاً به ساخت این مراکز اکتفا نکرده، بلکه با مدیریت و برنامه‌ریزی موفق، فضای مناسب را برای تبلیغات سالم دینی و مذهبی و تربیت دینی فرزندان‌شان ایجاد کنند و با حفظ و احیای مناسبت‌های دینی، مذهبی و تاریخی و برگزاری مجالس دینی با شکوه، به ویژه در ماه‌های مبارک رمضان، محرم و صفر و شرکت در

بنیاد اندیشه
 تاسیس ۱۳۹۴

به نسل جوان و مستعد مسلمان سنی و شیعه توصیه می‌کنم که برای فراگیری دانش، تخصص‌ها و فنون روز و استفاده از شرایط مساعد و امکانات این کشورها، در جهت پیشرفت علمی و فنی بر اساس آموزه دینی: «وَالْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ»؛ (دانش گمشده مومن است) و «اطلبوا العلم ولو بالصین»؛ (علم و دانش را فراگیرید ولو در مکان دوری مانند چین آن زمان باشد)، حداکثر سعی و تلاش را داشته باشند.

باشند و ثانیاً به این‌ها به عنوان ظرفیت‌های ارزشمند موجود در این کشورها، نگرسته و با مراجعه به آن‌ها در امور دینی و مذهبی، استفاده مناسب را از این‌ها که عضوی از پیکره آن‌ها هستند داشته باشند و به فارغ التحصیلان حوزوی و طلاب علوم دینی ساکن در این کشورها نیز یاد آور می‌شوم که اولاً با حضور مؤثرشان در میان مهاجرین از هیچ نوع مشارکت و همکاری با مردم در امور دینی و مذهبی دریغ نورزیده و خدمت کنند. ثانیاً اخلاق و زی طلبگی، آداب و شؤون دینی و مذهبی را رعایت کنند. و ثالثاً به مطالعات دینی و مذهبی‌شان روز به روز بیافزایند و به خصوص از فرصت حضور علما و مبلغین برجسته اعزامی از حوزه‌های علمیه، استفاده برده و به تکمیل تحصیلات‌شان پردازند.

۱۲. همچنین به عموم مردم مسلمان و شیعیان توصیه می‌کنم که به روشنفکران متعهد، اقشار فرهنگی، نخبگان فکری و علمی و اهل اندیشه که از شما مردماند و دغدغه دین را دارند و در کنار شما به عنوان شهروندان جدید مسلمان در این کشورها، زندگی می‌کنند، احترام ورزیده و وجود آن‌ها را در میان خود به دیده قدر بنگرند و از آن‌ها استفاده کنند و به این نخبگان مسلمان و منورین نیز توصیه می‌کنم که اولاً احکام و معارف دین را از سرچشمه‌ها، یعنی مراجع عظام دینی و کارشناسان اصلی دین یعنی علما، محققین و مبلغان فاضل و تحصیل کردگان حوزه‌های علمیه فرا بگیرند و در این مسائل با پیروی از آن‌ها از تفسیرها و برداشتهای ناروا از دین و مذهب پرهیز کنند و ثانیاً از مردم نبریده و در پیوند با آن‌ها بوده و با مشارکت در محافل دینی و مذهبی با مؤمنین همکاری کنند.

۱۳. به نسل جوان و مستعد مسلمان سنی و شیعه توصیه می‌کنم که برای فراگیری دانش، تخصص‌ها و فنون روز و استفاده از شرایط مساعد و امکانات این کشورها، در جهت پیشرفت علمی و فنی بر اساس آموزه دینی: «وَالْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ»؛ (دانش گمشده مومن است) (کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۸، ص ۱۶۸) و «اطلبوا العلم ولو بالصین»؛ (علم و دانش را فراگیرید ولو در مکان دوری مانند چین آن زمان باشد)،

نمازهای جمعه و جماعت و برنامه‌های متنوع دیگر، برای طیف‌ها و اقشار مختلف اعم از زنان، مردان، اطفال، جوانان و نوجوانان، تحت نظر علما و مبلغان دینی و مذهبی حداکثر استفاده را از این مراکز ببرند.

۱۶. تمام مسلمین و مؤمنین، از اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی و تحمیل هزینه‌های اضافی بر زندگی شان پرهیز کرده و به جای آن‌ها، از یکسویه پرداخت صدقات واجبه و مستحبه و پاک کردن درآمدها و اموال شان از حقوق الناس و حقوق الله و وجوهات شرعیه توجه کنند و از سوی دیگر هموطنان خود را در افغانستان و سرزمین آبائی شان به خصوص خانواده‌های محترم شهداء، معلولین، فقراء، ایتام، مساکین، ذوی الارحام و ذوی الحقوق را فراموش نکرده و آن‌ها را یاری رسانیده و با سهم گرفتن در کارهای خیر و راه اندازی مؤسسات خیریه، برحسنت خود بیفزایید.

۱۷. به عموم مردم توصیه اکید دارم که کرامت ذاتی انسان را در برخورد با شهروندان غیر مسلمان این کشورها، رعایت کرده و مبادا به دلیل اختلافات دینی و فرهنگی به این شهروندان، اهانت کنند؛ زیرا این برخوردها موجب تنفر و نگاه بدبینانه آن‌ها به دین اسلام و مسلمانان می‌شود.

۱۸. همچنین رعایت حرمت مال شهروندان غیرمسلمان بومی و غیربومی این سرزمین‌ها لازم است، تعدی پنهان و آشکار به اموال و دارایی‌های مردم، هم خلاف مقررات و نظم عمومی است و هم باعث خدشه دار شدن اعتبار دینی اقلیت مسلمان، در این کشورها می‌شود.

۱۹. اهانت و بی‌حرمتی به باورها، مقدسات و ارزش‌های مورد قبول پیروان سایر ادیان و فرقه‌ها، مناسب شأن یک مسلمان آگاه و با منطق نیست؛ بلکه به جای آن باید با حکمت و موعظه‌حسنه که منطق اسلامی و قرآنی است باب دعوت به خیر، گفت‌وگو و تفاهم را با پیروان این ادیان و فرق گشود.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْعُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُدِلُّ بِهَا التَّفَاقُقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةً

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ. بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَبِعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى.

حوزه علمیه قم، قربان علی محقق کابلی.

۲۱/۲/۱۳۹۲ ه. ش، برابر با ۱۲ مه ۲۰۱۳ م.

هفتم: یادداشت‌هایی به مناسبت پیام حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی به مسلمانان غرب‌نشین

اشاره: پس از انتشار این پیام در سایت معظم له، حقیر نکاتی را در اهمیت این پیام با عنوان فوق نوشتم و در سایت معظم له بارگزاری شد.

یادداشت اول: مهاجرت پدیده تاریخی - تمدنی

مهاجرت پدیده‌ای است تاریخی - تمدنی که هم‌زاد با موجودی به نام انسان است و در طول تاریخ بشر در همه زمان‌ها و مکان‌ها به صورت مستمر و لاینقطع جریان داشته است و بلکه پدیده‌ی جابه‌جایی هم‌زاد موجودی به نام طبیعت با تمامی زیرمجموعه‌هایش از جماد، نبات، حیوان و انسان است و طبیعت به طور مدام در حال تحرک، جابه‌جایی و تغییر و تحول از حالی به حالی و از مکانی به مکانی و زمانی به زمان دیگری است و به لحاظ فلسفی رمز تکامل و ترقی نیز همین جابه‌جایی‌ها، تحرک‌ها و پویاها است. سکوت و سکون و بی‌تحرکی در تضاد با سنت الهی و فلسفه آفرینش است و در قلمرو خاص حیات انسانی اگر به این پدیده بنگریم، به درستی می‌توان گفت: تمدنها و فرهنگهای گوناگون زاده پدیده‌های

است به نام مهاجرت و جابه‌جایی اقوام و گروه‌های انسانی و در نتیجه این جابه‌جاییها، فرهنگها، تجربیات، تخصصها، علوم و مهارت‌ها در عرصه‌های مختلف حیات انسانی انتقال یافته و با اندماج، اختلاط و در هم آمیختگی در یک فرایند بطی و دراز مدت، در تاریخ زندگانی چندین نسله انسانی، مدنیتی را با عناصر و مؤلفه‌های خاص متفاوت با مدنیت پیشین شکل می‌دهد و این سیر

بنیاد اندیشه

۱۳۹۶ و بی‌حرمتی به باورها، مقدسات و ارزش‌های

محل زندگی نخستین است. این عدم رضایت یا به خاطر اجبار است که انسان‌ها تحت شرایط اجبار و فشار، عرصه زندگی را بر خود به شدت سخت و غیرقابل تحمل می‌دانند و به ناچار تصمیم می‌گیرند که تغییر مکان داده و به مکان دیگری منتقل شوند تا بتوانند در محیط جدید عاری از فشارها و مشکلات به حیات‌شان اگرچه به صورت حداقلی ادامه دهند؛ در این فرض این انسان اگر تحت فشار و شرایط اضطرار قرار نمی‌گرفت رغبتی به ترک زاد بومش نداشت و با مشکلات زندگی در مکان مبدأ کنار می‌آمد و یا خارج از شرایط اجبار و فشار به میل و رغبت خودش به دنبال زندگی در محیط ایده‌آل‌تر و مطلوب‌تری می‌باشند.

در هر دو فرض [چه بر فرض اجبار و چه بر فرض رغبت و تمایل] نسبت به مکان مبدأ عدم رضایت و ناخوشنودی وجود دارد. در فرض نخست اصلاً رضایت ندارد و در فرض دوم رضایت‌مندی کامل را ندارد؛ اما نسبت به محیط مقصد رضایت‌مندی وجود دارد یا نسبی و یا کامل و لذا در پی تغییر مکان و جابه‌جایی است تا به نقطه مطلوب‌تری برسد. این فشار و اجبار یا رغبت شخص به مهاجرت یا به ساحت حیات مادی و معیشتی انسان بر می‌گردد و یا به ساحت حیات معنوی و اعتقادی و باورها و ارزش‌های مورد قبول او بر می‌گردد، یا به هر دو بر می‌گردد؛ یعنی با بودن و ادامه زندگی در محیط مبدأ یا قادر به ادامه زندگی مادی نیست و ادامه معیشت بر او ناممکن یا دشوار است و یا قادر به حفظ عقائد و ارزش‌های مورد قبول و ادامه هویت دینی و انسانی‌اش نیست و یا هر دو برایش دشوار و یا ناممکن است.

یادداشت سوم: جمعیت مهاجر در معرض تغییرات و آسیب‌های جدی

اولاً: همان‌گونه که در یادداشت اول تذکر رفت، مهاجرت پدیده تاریخی - تمدنی است. جمعیت مهاجر در فرایند مدنیت‌سازی که شاید طولانی‌ترین فرایند در میان پدیده‌های ساخت انسان است بی‌تردید نقش دارند و می‌توانند عناصر جدیدی را وارد

همچنان ادامه دارد. بر همین اساس این ادعا آن قدرها هم دور از واقعیت نخواهد بود که گفته شود: اصولاً تمدن‌ها و مدنیت‌های بزرگ انسانی در پهنه زمین و در طول زمان، محصول اراده آزاد و مشترک ملل، اقوام و گروه‌های انسانی است و در مصادره و انحصار مطلق هیچ قوم و ملتی به تنهایی نمی‌تواند قرار گیرند. اگر تمدن را به یک برج و ساختمانی تشبیه کنیم، می‌توان گفت گروه‌ها و اقوام انسانی هر کدام در ایجاد این ساختمان مدنیت، با میزان متفاوتی چه به لحاظ نرم‌افزاری و چه به لحاظ سخت‌افزاری آن، سهم و مشارکت دارند. ممکن است ملتی کوچکترین سهم را در حد نهادن یک آجر در بنای عظیم ساختمان یک مدنیت داشته باشد و بر این اساس این ادعا که در اقلیم و نقطه خاصی، مدنیتی خالص و متعلق به گروه یا گروه‌های انسانی خاص در غیبت مطلق سایر اقوام و گروه‌های انسانی شکل گرفته باشد، به گزافه بیشتر میماند تا سخن منطبق با واقعیت‌های تاریخی.

البته باید یادآور شد که اولاً میزان و مرتبه سهم و نقش اقوام و ملل دنیا در ایجاد مدنیت‌های بشری، امری است قابل قبول، از نقش حداقلی گرفته تا حد اکثری، اما انکار این نقش‌ها و انحصار مدنیت‌ها به گروه و ملت خاص قابل قبول نیست. ثانیاً خرده فرهنگ‌ها در اقلیم‌های مختلف کره زمین که غالباً برخاسته از تجربیات و آئین‌های بومی زندگی ساکنان یک سرزمین خاص است، امر جدای از تمدن است؛ زیرا بر آداب، رسوم و فرهنگ‌های بومی و محلی با ویژگی‌های متفاوت از سایر بوم زیست‌های انسانی، مدنیت صدق نمی‌کند. مدنیت شاخصه‌های خاص خود را دارد که این یادداشت برای بیان آن‌ها نیست.

یادداشت دوم: دلایل مهاجرت گروه‌های انسانی

این پدیده دلالتی دارد که بنا بر آن دلایل، انسان‌ها از محل و موطن اصلی خود آهنگ مهاجرت به مکان دیگری را می‌کنند تا در آنجا استقرار یابند. نخستین و عمده‌ترین دلیلی که به نظر می‌رسد، عدم رضایت از

یک مدنیت کنند. چنان‌که تجربه شکل‌گیری، ظهور و سقوط تمدن‌های بشری این امر را به وضوح نشان می‌دهد، اگرچه این ورود بسیار بطی و چه بسا نامرئی است که در طی نسل‌ها اتفاق می‌افتد. نکته مهم، اما اینجا است که این تغییر و تأثیر و تأثر امر متقابل است و نه یک‌طرفه و لذا از سوی دیگر همین جمعیت مهاجر به شدت در معرض تغییرات و آسیب‌های جدیدی نیز می‌باشند. ضمن این‌که می‌توانند محیط مقصد را تحت تأثیر خود قرار دهند، خود نیز در معرض تغییرات است و بلکه طبعاً برای این تغییر آمادگی بیشتری دارد. دلیل خصلت تغییر‌پذیری و آمادگی نیز همان دو نکته‌ای است که در یادداشت دوم مطرح شد؛ یعنی احساس عدم رضایت و ناخوشنودی از محیط مبدأ و احساس خوشنودی و رضایت مندی کامل یا نسبی نسبت به محیط مقصد؛ دو امری که او را وادار به ترک موطن و زادگاه اصلی او کرده است.

ثانیاً: حوزه‌های این تغییر، هر دو ساحت زندگی مادی، معیشتی و معنوی، فکری انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. حتی جمعیت مهاجران چه بسا در معرض از دست دادن هویت‌های فرهنگی، تمدنی، تاریخی، دینی و معنوی پیشین خود و استحاله شدن در هویت و فرهنگ جدیدی می‌باشند که به شدت تمام ابعاد زندگی آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است؛ چون طبیعی است که در هر محیط و اقلیمی، فرهنگ غالب و مسلط حرف اول را می‌زند، هرچند که جمعیت مهاجر از عناصر ارزشمندتر و قوی‌تر فرهنگی و پیشینه درخشان‌تر تاریخی و تمدنی برخوردار باشند و به این پیشه^{۱۳۹۱} لحاظ یک سر و گردن بالاتر از دیگران باشند؛ اما به دلیل داشتن حالت انفعال از یکسو به خاطر احساس نارضایتی از محیط مبدأ و از سوی دیگر به دلیل حالت هژمونی و هیمنه فرهنگ غالب و مسلط در محیط مقصد که شدیداً تحت تأثیر آن قرار دارند، به طور طبیعی در خطر استحاله و هضم شدن در فرهنگ غالب قرار خواهند گرفت و در نتیجه ایجاد حالت انقطاع و گسست کامل نسبت به گذشته و هویت‌های تاریخی و دینی و مذهبی. این تغییر حداقل حوزه‌های

زیر را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد: ۱. منطق و معیارهای سنجش خوب و بد و نظام ارزشی. ۲. نظام اندیشگی و مبانی فکری و اعتقادی، ۳. آداب و سبک معاشرت با دیگران، ۴. لباس و نوع پوشش، ۵. نظام مصرف و معیشت، نوع و کیفیت غذا، ۶. زبان، فرهنگ، آداب و رسوم اجتماعی.

یادداشت چهارم: نگاه ما به پدیده مهاجرت و این تغییرات چگونه باید باشد؟

حال که پدیده مهاجرت امری است گریز ناپذیر و غیرقابل مهار که نه در اختیار ما است و نه هم در اختیار خود مهاجران، زیرا از سرناچاری و بدی روزگار آهنگ دیار غرب و بیگانه کرده‌اند که:

ما به این در نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم. از بد حادثه اینجا به پناه آمده‌ایم.

این پرسش مطرح است که نوع نگاه ما به این پدیده و این آسیب‌ها و تغییرات ناشی از آن چگونه باید باشد؟ و به خصوص این پرسش در برابر دستگاه دین و متولیان دین و دینداری به طور اکید و جدی تر مطرح است؛ اینان که داعیه رهبری دینی، مرجعیت عامه و زعامت دینی را دارند، چه نوع نگاه و تحلیل نسبت به این پدیده دارند و بایسته است که داشته باشند؟ آن‌چه تاکنون مشاهده شده و قابل تصور است این‌که تاکنون حداقل سه نوع واکنش و نگاه متفاوت در برابر این پدیده و آثار آن از سوی مردم و نیز شخصیت‌ها و دستگاه‌های مدعی تولی دین و دینداری وجود داشته است که هر یک در جای خود قابل بررسی و ارزیابی است:

۱. موضع سکوت و بی‌اعتنایی، تغافل و فراموش‌کاری و چشم فرو بستن نسبت به این تغییرات جدی و اساسی که دامن‌گیر سیل عظیمی از مهاجرین ما شده و می‌شود، این نگاه تا کنون از سوی برخی مشاهده شده است.

۲. نگاه بدبینانه و منفی داشتن نسبت به پدیده مهاجرت که از اختیار و کنترل ما هم بیرون است. این نگاه می‌تواند به این صورت‌ها بروز یابد: تردید و شبیهه در اصل جواز مهاجرت، هشدار مردم و مؤمنین نسبت

شریعت مدارانه، از خود نشان دهند.

یادداشت پنجم: بیان ضرورت، اهمیت و ابعاد پیام مهم و تاریخی آیت الله العظمی محقق کابلی

اکنون با توجه به آنچه تذکار رفت، می‌توان به اهمیت تاریخی و ضرورت چنین پیامی از سوی مرجع عالیقدر و دقیق‌النظر، آگاه به شرایط زمان و مکان، حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی پی برد که با دقت و هوشمندی لازم در شرایطی که چنین انتظاری هم از ایشان میرفت، مبادرت به صدور پیام تاریخی و مهم و با این محتوای ارزشمند، جامع و همه‌سونگرانه کرده است.

باری ضرورت و اهمیت این پیام ارزشمند، راهگشا و راهنما در ذیل و مبنای نگاه سوم به پدیده مهاجرت و آثار آن قابل تبیین و ارزیابی است. به نظر می‌رسد در فرصت و مجال بیشتر باید از یکسواهمیت و ضرورت این پیام و از سوی دیگر ابعاد و دامنه‌های تأثیر آن بر مردم و نقش هدایتگرانه و جهت‌دهندگی آن مورد بررسی و ارزیابی بیشتری قرار گیرد و امیدواریم این یادداشت‌های شتاب‌زده و گذرا آغازی باشد برای تبیین ابعاد و شکافتن زوایای گسترده این پیام، از سوی اهل نظر و فکر؛ چرا که به عقیده این قلم، بند بند و هر

تابش ۱۳۹۴

به سقوط در لابلای گری و بی‌عفتی و مفساد اخلاقی، سقوط در ورطه کفر و بی‌ایمانی، ایجاد پایپ‌ها با صدور فتاوی سخت‌گیرانه در باب حلال و حرام، نجاست و طهارت در باب غذا و لباس کفار، معاشرت با آن‌ها و... و در نتیجه فتوا به حرمت مهاجرت و ترک وطن اصلی، به دلیل پیامدهای فوق.

۳. نگاه مثبت به اصل پدیده مهاجرت: در این نگاه مهاجرت قبل از آنکه تهدید تلقی شود، فرصت تلقی می‌شود؛ اما مشروط به این‌که از فرصت به دست آمده استفاده مناسب صورت گیرد تا تبدیل به تهدید نشود. در این نگاه حفظ ایمان دینی و دینداری در جوامع غربی امر ممکن و شدنی تلقی می‌شود و در عین حال این حیات ایمانی و دینی قابل جمع با شرایط زندگی مدرن نیز هست به گونه‌ای که مؤمن در ایمان و باورها و ارزش‌های مورد قبول خویش تردید به خود راه ندهد و از حضور خویش در چنین جوامع مدرن خود را گنهکار و خطا پیشه احساس نکند؛ بلکه با حس مثبت نسبت به حفظ ایمان دینی و با سهولت و مدارا و سماحت به زندگانی دنیوی و اخروی خود ادامه دهد و با استفاده از منطق آزادی و گفتمان کرامت‌پذیر انسانی، به تبلیغ و ترویج دین و ارزش‌های مورد قبول خود در چارچوب مقررات مدنی و نظام اجتماعی نیز، پردازد و در نتیجه بین دین و دنیای خود در چنین محیطی جمع کند.

در میان این سه نوع نگاه و سه مبنای، به نظر می‌رسد مبنای سوم، مبنای معقول و منطقی و ظاهراً قابل تطبیق‌تر با مبانی دینی و فقهی و مذهبی باشد؛ ولی بر اساس این مبنا سکوت و بی‌تفاوتی و ندانم‌کاری و تغافل در برابر سرنوشت دینی و ایمانی مردم و مؤمنین که به شدت مورد مخاطره قرار می‌گیرند، هرگز توجیه‌پذیر و قابل قبول نخواهد بود. از مهم‌ترین الزامات این نوع نگاه این است که دستگاه‌های زعامت و رهبری کلان امت اسلامی و متولیان دینی و مذهبی، سرنوشت انبوهی از مؤمنین و هم‌کیشان خود را به دست تقدیر و حوادث نسپارند؛ بلکه باید در برابر سرنوشت دینی و ایمانی این مردم که در محیط جدید و با شرایط زمانی و مکانی متفاوت قرار گرفته‌اند واکنش مسئولانه، خردمندانه و

مهاجرت پدیده تاریخی - تمدنی است. جمعیت مهاجر در فرایند مدنیت‌سازی که شاید طولانی‌ترین فرایند در میان پدیده‌های ساخت انسان است بی‌تردید نقش دارند و می‌توانند عناصر جدیدی را وارد یک مدنیت کنند. چنان‌که تجربه شکل‌گیری، ظهور و سقوط تمدن‌های بشری این امر را به وضوح نشان می‌دهد، اگرچه این ورود بسیار بطی و چه بسا نامرئی است که در طی نسل‌ها اتفاق می‌افتد.

ماده و بخشی از این پیام راهبردی و مهم، به یک حوزه از حوزه‌های زندگی مسلمانان در غرب پرداخته که بسیار بایسته و شایسته است تا از سوی یک مقام بالای دینی و مذهبی که نظر و سخن او برای مؤمنین ارزش سند را داشته و از اعتبار و حجت شرعی برخوردار باشد، مطرح و بیان شود.

اگرچه هریک از مواد نوزده‌گانه این پیام در جای خود تفسیر مبسوطی را در حد شرح مفصل و به حجم یک کتاب می‌طلبد؛ اما در این یادداشت، تنها به بیان مهم‌ترین ابعاد و حوزه‌هایی که محتوای این پیام ارزشمند آن‌ها را احتوا می‌کند اکتفا می‌شود، این ابعاد و حوزه‌ها عبارتند از:

۱. جامعیت این پیام: نخستین نکته مهم که در این پیام به نظر می‌رسد و جلب توجه می‌کند، جامعیت و فراگیری این پیام است. در این پیام به همه یا اقلاً مهم‌ترین حوزه‌های مبتلا به زندگی مهاجران در غرب در سطح کلان پرداخته شده و به آن‌ها هدایت داده شده است که چه کنند و چه سلوک و رفتاری را در پیش گیرند که به بخشی از این حوزه‌ها به طور جداگانه اشاره خواهد شد.

۲. فقه معطوف به تمدن: در این پیام فقه معطوف به تمدن و تمدن‌ساز بازناب داده شده است، فقهی که به قول آن بزرگ‌مرد عرصه فقهت و اجتهاد، مدعی است تئوری اداره زندگی انسان در تمام ساحت‌های حیات از گهواره تا گور است، در آن قابل بازیافت است. فقه معطوف به تمدن رویکرد خشونت‌ورزانه ندارد و به جای آن رویکرد مهرورزانه و کرامت‌مدارانه دارد، در این فقه تحجر و جمود وجود ندارد. این فقه بین پیروان خود و دیگران دیواری ضخیمی از بیگانگی که مسیر هر نوع تفاهم، تعامل و گفت‌وگو و هم‌سخنی را سد کند، نمی‌کشد، این فقه با مظاهر و جلوه‌های زندگی مدرن بشر امروز سر جنگ و ناسازگاری ندارد؛ بلکه ضمن اهتمام و دغدغه شدید نسبت به ساحت حیات معنوی و ایمانی انسان، به مدنیت جدید، مدرنیته و تجدد، نگاهی ابزاری دارد که باید در خدمت رسیدن انسان به کمال و تعالی و معنویت قرار گیرد و نه این که

نیمه قدسی وجود آدمی را به مسلخ کشانده و به محاق ببرد. فقه معطوف به تمدن تأکید و توصیه دارد که مؤمن با حفظ حیات ایمانی خویش و ضمن استفاده از امکانات جدید و تجربیات مثبت بشری در حوزه‌های مختلف، باید از آسیب‌ها و عوارض آن با دقت و هوشمندی لازم پرهیز کند.

۳. عنصر زمان و مکان: در این پیام دو عنصر زمان و مکان و مقتضیات آن، به وضوح به چشم می‌خورد، فقه بریده از روح زمان و مکان و مقتضیات و ایجابات آن دو، در برابر پرسش‌های جدید در حوزه‌های مختلف زندگی انسان بی‌پاسخ است و یا اقلاً با مشکلات و چالش‌های جدی مواجه است؛ اما فقهی که عنصر زمان، مکان و مقتضیات آن دو در آن مورد توجه است، در قلب تمدن غرب واقعیت‌های زندگی پیروان خود را نادیده نگرفته و فقیه آگاه به زمان و مکان نیز فتاوی سخت‌گیرانه که مؤمنین را به عسر و حرج گرفتار سازد صادر نمی‌کند؛ بلکه قرائت انعطاف‌پذیرانه و واقع‌بینانه از فقه ارائه می‌دهد و زندگانی را با حفظ ایمان دینی در قلب این مدنیت با پرهیز از عوارض و آسیب‌های آن امر ممکن و شدنی می‌داند. گرچه چنین زندگی در چنین محیطی خالی از هزینه نیز نخواهد بود؛ ولی مؤمن باید این هزینه را در راه زندگی ایمانی و معنوی خود بپردازد؛ چرا که جمع بین مدرنیته و زیست معنوی و ایمانی اگرچه امر ممکن و شدنی است؛ اما دشوار و سخت. چنان‌که برای صاحبان اصلی این مدنیت نیز که دغدغه معنویت و بعد قدسی زندگانی را دارند، جمع بین این دو امروزه یک چالش جدی است.

۴. مهم‌ترین حوزه‌های این پیام: در نکته نخست به اجمال اشاره شد که در این پیام بسیار ارزشمند و مهم به مهم‌ترین حوزه‌ها و ابعاد زندگی مسلمانان در غرب توجه و عنایت شده است؛ اما به دلیل اهمیت آن در این جا به صورت جداگانه به این حوزه‌ها اشاره می‌شود و بحث درباره هریک از این حوزه‌ها فرصت و مجال دیگری را می‌طلبد، مهم‌ترین ابعاد و حوزه‌هایی که در کانون توجه و عنایت این پیام واقع شده است، محورهای ذیل است.

فرهیخته و نخبه؛

۱۰. حوزه تعلیمات و آموزش های دینی و مذهبی؛
۱۱. حوزه تعامل با ادیان، فرق و آئینهای ابراهیمی و غیر ابراهیمی، بر مبنای منطق و گفتن قرآنی جدال احسن و پرهیز از خشونت و هر نوع تعرض و اهانت و تحقیر نسبت به این ادیان و فرقه ها؛
۱۲. حوزه تعامل شهروندان مسلمان، با نظام اجتماعی و مقررات مدنی دولت های غربی، از قبیل مقررات مربوط به اشتغال، درآمدها، داراییها و اموال عمومی و... و حوزه های دیگر. □

منابع

۱. قرآن کریم
۲. برهانی شهرستانی، محمد علی (۱۳۹۸)، یادنامه آیت الله محقق خراسانی، بنیاد اندیشه، چاپ اول، کابل.
۳. جامعه روحانیت افغانستان (۱۳۷۴)، مرجعیت رمز بقای تشیع، جامعه روحانیت، چاپ اول، قم، تابستان.
۴. عاملی، شیخ محمد حسین (۱۴۰۹.ق)، وسائل الشیعه ج ۲۷، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷.ق)، اصول کافی، ج ۲، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.

۱. حوزه عقائد و باورهای دینی و مذهبی و ساحت فکری و اندیشه ای مسلمانان؛
۲. حوزه اخلاق و تربیت دینی و ساحت معنوی زندگی مسلمانان غرب نشین، به خصوص حفظ نهاد خانواده و تربیت جوانان و نوجوانان، در پرتو فرهنگ اهل بیت عليهم السلام؛
۳. حوزه احکام و شریعت و سلوک آئینی مسلمانان غرب نشین، و رعایت حلال و حرام و واجبات و تکالیف دینی؛
۴. حوزه معاشرت و آداب زندگی و زندگانی، بر پایه آموزه های دینی و مذهبی؛
۵. حوزه روابط اجتماعی درون ایمانی و داخلی مسلمانها، اعم از شیعه و سنی و حفظ روابط اجتماعی بر مبنای اخوت دینی و ایمانی و پرهیز از افراط و تفریط و مبارزه با ارزش های دروغین که در اسلام ریشه و اساس ندارد؛
۶. حوزه معیشت و الگوی مصرف، در چارچوب آموزه های معیشتی و الگوی مصرف در شریعت اسلام؛
۷. حوزه تبلیغات و احیای شعائر دینی و مذهبی و فعالیت های آرام و قانونمند دور از خشونت در این امور؛
۸. حوزه روابط نیک انسانی با شهروندان غیر مسلمان و زندگی مسالمت آمیز بر اساس احترام متقابل انسانی؛
۹. حوزه آموزش و تعلیم و استفاده از علوم، دانشها، مهارتها و تجربیات مثبت بشری و تربیت نسل